

عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های جدید بحرین

کیهان برزگر^۱

مقدمه

سال ۱۹۹۹ نقطه عطفی در روند پیشرفت آزاد سازی سیاسی در جهان عرب محسوب می‌شود. در این سال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در یمن، تونس و مصر در فضایی نسبتاً آزاد، برگزاری رفراندوم "آشتی ملی" در الجزایر، جایگزین نسل جدید و جوانی از رهبران در کشورهای هم‌چون اردن، مراکش و خصوصاً بحرین، تحولات در ساختار حکومتی و دیدگاه‌های رهبران عربستان سعودی نسبت به مسایل منطقه‌ای و جهانی، برگزاری انتخابات آزاد در کویت و موارد دیگر، همگی نشانه‌های آشکاری از حرکت اعراب به سوی آزاد سازی بیشتر سیاسی و توجه به خواست‌های عمومی جوامع خود می‌باشند که در اثر فشار نیروهای داخلی و خارجی صورت گرفته است.

مورد بحرین یکی دیگر از حلقه‌های آزاد سازی سیاسی در دنیای عرب است که تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته است. شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه "امیر جدید بحرین که بعد از فوت ناگهانی پدرش در مارس ۱۹۹۹ به قدرت رسید، تمایلاتی مبنی بر انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی از خود نشان داده است. در اولین اقدام به

۱. دکتر کیهان برزگر، محقق ارشد مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه و استاد دانشگاه است.

سوی آزاد سازی سیاسی، امیر بحرین دستور انجام همه‌پرسی "منشور جدید ملی" را در فوریه سال ۲۰۰۱ صادر کرده است. در این منشور مواردی همچون برگزاری انتخابات آزاد مجلس، گسترش آزادی‌های شخصی، برخورداری شهروندان از حقوق برابر، استقلال قوه قضائیه و در نهایت اجازه فعالیت اجتماعی بیشتر و حق رای و شرکت زنان در انتخابات مجلس گنجانده شده است. اقدامات فوری دولت نیز شامل حذف "دادگاه امنیتی حکومتی" و "قوانین ویژه امنیتی" می‌باشد که بعد از ناآرامی‌های شیعیان در سال ۱۹۹۵، تاسیس شده بودند.

با توجه به انجام تحولات فوق در بحرین، این تحقیق به بررسی علل رفتار حاکمان این کشور در آزاد سازی سیاسی اخیر می‌پردازد. سؤال اصلی این است که با توجه به ساختار و ماهیت حکومت‌های منطقه خلیج فارس، که هرگونه آزادسازی سیاسی و اجتماعی و اعطای حق مشارکت گسترده به شهروندان جوامع خود، خصوصاً شیعیان و قشر زنان را تهدیدی علیه ارزش‌های سنتی و مشروعیت نظام‌های خود تلقی می‌کنند، چه عواملی سبب شده تا چنین تغییرات گسترده‌ای در یک جامعه بسته طبقاتی، همچون جامعه بحرین صورت گیرد. در پاسخگویی به سؤال فوق، این تحقیق به یکی از موضوعات عمده در متدلوزی روابط بین‌الملل، یعنی "سطح تحلیل" می‌پردازد و سعی دارد سطوح سه‌گانه‌ای از تحلیل را در بررسی رفتار این کشور در جهت آزاد سازی سیاسی، بررسی کند. در واقع تعامل بین این سه سطح و هم‌زمانی تحولات مربوط به آن در طول یک دهه (دهه ۱۹۹۰)، شرایطی را فراهم کرده تا در فوریه سال ۲۰۰۱، روند آزاد سازی سیاسی در بحرین به نتایج روشنی برسد.

بخش اول - سابقه جنبش‌های سیاسی و روند آزادسازی سیاسی در بحرین

۱. بروز انقلاب اسلامی، نقطه شروع روند آزادسازی سیاسی (دهه ۱۹۸۰)

هر چند سابقه جنبش‌ها و فعالیت‌های سیاسی در بحرین به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصاً به اوایل دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد که همراه با نفوذ اندیشه‌های ناصریسم و بعثیسم، جهت‌گیری‌های سیاسی مردم بحرین دست‌خوش دگرگونی‌های جدی گردید،^(۱) اما بروز انقلاب اسلامی در ایران را باید منشأ تحولات و دگرگونی‌های جدید سیاسی در بحرین به حساب آورد که منجر به گسترش روند آزادسازی سیاسی در این کشور شده است.

وقوع انقلاب اسلامی ایران هر چند یک دگرگونی مهم ساختاری در سطح داخلی بود، ولی به دلیل برخورداری از زیربنای ایدئولوژیکی قوی، حامل پیامی بود که موجب به هم خوردن وضع موجود در منطقه گردید. دیدگاه‌های انقلابی ایران مبنی بر تشکیل حکومت دینی و صدور ارزش‌های ایدئولوژیک در قالب اسلام سیاسی، از یک سو به سرعت مشروعیت حکومت‌های محافظه کار منطقه را زیر سؤال برد و از سوی دیگر الهام‌بخش قیام‌های اسلامی در جوامع این کشورها گردید. در میان کشورهای حوزه خلیج فارس، وضعیت بحرین به دو دلیل مهم با سایر کشورها تفاوت داشت: ۱. وجود اکثریت شیعه در بحرین؛ ۲. سابقه ادعای حاکمیت ایران بر بحرین.

بحرین تنها کشور حوزه جنوبی خلیج فارس است که اکثریت جمعیت این کشور را شیعیان (بیش از ۷۰ درصد) تشکیل می‌دهند. با توجه به نارضایتی‌های شیعیان از حاکمان سنی این کشور، تأثیر فوری انقلاب اسلامی بر شیعیان بحرین، به سرعت نمایان گردید. همانند سایر انقلاب‌ها، (مثل انقلاب روسیه و کوبا) که در کوتاه مدت کشورهای همسایه خود را تحت تأثیر قرار دادند، بروز انقلاب اسلامی نیز به طور طبیعی نوعی هیجان عمومی و تأثیرگذاری، خصوصاً در جمعیت شیعه بحرین ایجاد کرد. سابقه نسبتاً طولانی شیعیان بحرین در اعتراض به رفتار غیر عادلانه و تبعیض‌آمیز حاکمان سنی سبب شد تا انقلاب اسلامی به نوعی الهام‌بخش مواردی از اعتراضات عمومی و تظاهرات علیه خاندان حاکم بحرین در اوایل دهه ۱۹۸۰ گردد.^(۲) همین امر نوعی بدبینی در حکومت بحرین، مبنی بر این که شیعیان بحرین تحت نفوذ و هدایت جمهوری اسلامی، خواستار سرنگونی خاندان حاکم این کشور هستند، ایجاد کرده است. بر همین اساس دولت بحرین هرگونه شورش و ناآرامی از سوی اقشار مختلف بحرین، حتی هرگونه توطئه و کودتا را به ایران نسبت می‌دهد. مصداق این امر را می‌توان در نسبت دادن توطئه‌های انجام شده علیه خاندان حاکم در اوایل دهه ۱۹۸۰ و اواسط دهه ۱۹۹۰ به جمهوری اسلامی مشاهده کرد.^(۳) دلیل دیگری که وضعیت بحرین را در مقایسه با سایر کشورهای منطقه متمایز می‌سازد، سابقه ادعای حاکمیت ایران بر بحرین است. همین امر ضمن این که به طور طبیعی بر شیعیان و جمعیت ایرانی‌الاصول بحرین تأثیر می‌گذارد، همواره نوعی نگرانی دایمی نیز در خاندان حاکم بحرین به وجود می‌آورد. به طور کلی از دیرباز جزیره بحرین تحت حاکمیت پادشاهان ایرانی

قرار داشت. دولت ایران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ادعای حاکمیت بر بحرین را مطرح ساخت. در زمان رضاشاه، این ادعا قوت بیشتری گرفت و در زمان محمدرضا شاه این ادعا به شکل جدیدی در قالب افزایش فشار سیاسی بر بریتانیا به منظور بازپس گرفتن جزایر خلیج فارس، مطرح گردید.^(۴)

در واقع دولت ایران با طرح ادعای حاکمیت بر بحرین، سرانجام توانست با دولت بریتانیا در زمینه اعاده حاکمیت خود بر جزایر خلیج فارس به توافق برسد و در نتیجه یک سلسله مذاکرات پنهانی، رایزنی‌ها، امتیاز دادن‌ها و تحولات دیگر، سرانجام سرنوشت بحرین از طریق یک نظرخواهی عمومی و به وسیله شورای امنیت سازمان ملل متحد حل شد و این کشور در سال ۱۹۷۰ به استقلال دست یافت. هرچند با استقلال بحرین به این ادعای تاریخی ایران نیز پایان داده شد، اما همواره نوعی نگرانی بی‌دلیل در خاندان حاکم بر بحرین در زمینه طرح ادعاهای مجدد حاکمیت از سوی ایران وجود دارد و همواره خاندان حاکم بر این کشور در برقراری روابط همه جانبه با ایران، دچار سوءظن و بی‌اعتمادی هستند.

۲. تداوم جنبش‌های سیاسی در دهه ۱۹۹۰

جنبش‌های سیاسی بحرین که در قالب الهام‌پذیری از انقلاب اسلامی ایران در دهه ۱۹۸۰، به شکل جدیدی مطرح شده بود، در دهه ۱۹۹۰ و هم‌زمان با حمله عراق به کویت و بروز جنگ خلیج فارس با شدت بیشتری ادامه یافت و این بار تمامی اقشار جامعه اعم از شیعه و سنی را در بر گرفت. در این دهه، محور اصلی این جنبش‌ها، در درجه اول تقاضا برای آزادسازی سیاسی و رفع تبعیض‌های اجتماعی و در درجه دوم اعتراض به وضعیت نامناسب اقتصادی، وجود بیکاری، فساد اداری و مسایلی از این قبیل بود.

شروع مرحله جدید این جنبش‌ها به اواسط دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد که پس از یک دوره چندین ساله آرامش نسبی، مجدداً منجر به بروز ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور گردید. نماد این جنبش‌ها هنگامی خودنمایی کرد که یک کمیته ۱۴ نفری از نخبگان بحرین در اکتبر ۱۹۹۴ محترمانه خواستار بازگشت به دوران دموکراسی پارلمانی شدند که از سال ۱۹۷۵ به حالت تعلیق درآمده بود. اطلاعیه‌هایی که در مورد این ناآرامی‌ها پخش شد، نشان از درخواست‌های مهمی

همچون آزادی زندانیان سیاسی و بازگشایی مجلس شورای نمایندگان مردم، داشت. هرچند برخی منابع خبری در تفسیرهای خود، جنبش‌های بحرین را جنبش مذهبی (شیعی) قلمداد کرده‌اند، اما در این ناآرامی‌های سیاسی، شمار زیادی از جمعیت سنی بحرین نیز مشارکت داشتند. نوع درخواست‌های عمومی، نشانه‌ای از توقعات روزافزون مردم در جهت آزادسازی سیاسی در این کشور بود و نشان می‌داد که این ناآرامی‌ها، با آنچه که در سال ۱۹۸۱ اتفاق افتاد و در آن جمعی توطئه‌گر خواستار سرنگونی خاندان آل خلیفه و امیربحرین بودند، کاملاً متفاوت است.^(۵) در واقع خواست‌های مردم حکایت از تداوم یک جنبش سیاسی عمومی برای آزادسازی سیاسی در بحرین داشت.

در ژوئن ۱۹۹۶، امیربحرین تحت فشار روزافزون مردم، فرمان افزایش اعضای شورای مشورتی - که از سوی دولت انتخاب می‌شدند - از ۳۰ نفر به ۴۰ نفر و اجازه انتخاب ۱/۳ اعضای این شورا را از طریق انتخاب غیرمستقیم به وسیله سازمان‌های فرهنگی و حرفه‌ای، صادر کرد.^(۶) در طول سال‌های بعد، تداوم چنین جنبش‌های سیاسی در قالب بروز ناآرامی‌ها و شورش‌های اجتماعی و همین‌طور فشار گسترده ائتلاف مختلف جامعه بحرین، اعم از شیعه و سنی، سرانجام حاکمان بحرین را مجبور ساخت تا در جهت تکمیل روند آزادسازی سیاسی در فوریه ۲۰۰۱ گام بردارند.

بخش دوم - عوامل تأثیرگذار بر آزادسازی سیاسی اخیر در بحرین

۱. عوامل تأثیرگذار داخلی:

الف - فشارهای داخلی طبقه متوسط و پایین جامعه که اکثریت شیعیان را تشکیل می‌دهند؛ این اکثریت برای سالیان دراز از رفتار تبعیض‌آمیز حاکمان سنی کشور و عدم برخورداری از حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رنج می‌برند و همواره خواهان برخورداری از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر و وضعیت اقتصادی مساعدتری هستند. از زمان استقلال بحرین، خاندان آل خلیفه با توجه به افزایش قیمت نفت و افزایش درآمدهای مالی حاصل از آن در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تا حد امکان از بروز نارضایتی‌های اساسی در میان اکثریت جمعیت شیعی این کشور جلوگیری می‌کردند. اما در دهه ۱۹۹۰، زمانی که قیمت نفت رفته رفته کاهش یافت،

نوعی نارضایتی میان اقشار مختلف جامعه اعم از شیعه و سنی و خصوصاً میان جمعیت جوان این کشور (حدود ۶۵ درصد جمعیت بحرین ۲۵ سال یا زیر ۲۵ سال هستند) بروز کرد. این جمعیت جوان به‌رغم برخورداری از تحصیلات، از عدم وجود آزادی‌های سیاسی، تبعیض و نابرابری و بی‌کاری اظهار نارضایتی داشتند.^(۷)

در طول سال‌های اخیر هسته‌های اصلی ناآرامی و نارضایتی در اجتماع شیعیان بحرین شکل گرفته و منجر به شورش‌های خیابانی و دستگیری تعداد زیادی از آنها شد. در سال ۱۹۹۵، بعد از ایجاد ناآرامی‌ها از سوی شیعیان که خواستار انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی بودند، "دادگاه امنیتی حکومت" و "قوانین ویژه امنیتی" در برخورد با آنها تأسیس شدند و مخالفان شیعی به حبس‌های طویل‌المدت محکوم شدند. تداوم این امر در سال‌های گذشته، منجر به افزایش تنش‌های سیاسی در جامعه بحرین گردید. به همین دلیل اولین اقدام امیر جدید بحرین، معطوف به رفع محدودیت‌های سیاسی و تبعیض در درون جامعه شد. این اقدام امیدهایی را در میان جمعیت شیعیان بحرین به وجود آورد. یک گروه برگزیده مأموریت یافتند تا یک "منشور ملی جدید" را تدوین کنند. طرح جدید بعد از تغییرات متعدد، در همه‌پرسی در ۱۴ و ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱ به رأی گذاشته شد و به تصویب اکثریت مردم بحرین (۹۸ درصد) رسید.^(۸)

یکی از مهم‌ترین اصول این منشور، احیای انتخابات آزاد براساس قانون است. همچنین در این منشور آمده که "همه شهروندان در برابر قانون مساوی هستند" و "هرگونه تبعیض در زمینه‌هایی همچون جنسیت، اصل و نسب، زبان و مذهب نفی شده" است. "هیچ کس و در هیچ زمینه‌ای نباید مورد اذیت و آزار اخلاقی یا فیزیکی تحت هر شرایطی قرار گیرد."^(۹) استراق‌سمع به هر شکلی ممنوع است، مگر در موارد مهم امنیتی، آن هم با اجازه دادگاه‌ها. تأسیس هرگونه انجمن خصوصی، علمی، فرهنگی و حرفه‌ای آزاد است و تمامی شهروندان از حق بیان عقاید خود به‌طور شفاهی و نگارش برخوردارند.^(۱۰)

در زمینه‌های اقتصادی نیز در این منشور، تحولاتی در راستای تغییر جهت از سرمایه‌داری دولتی به سوی سرمایه‌گذاری خصوصی پیش‌بینی می‌شود. در طی سالیان دراز، حمایت و پشتیبانی دولت از بعضی از سرمایه‌گذاران و بازرگانان وابسته به خاندان حاکم، منجر به افزایش فساد در انعقاد قراردادها و انحصار آنها در دست یک قشر خاص شده بود. طبق فرمان امیر

بحرین، هیچ کس نباید از امتیازات ویژه برخوردار باشد. همچنین بر اساس منشور جدید ملی، سیستم اقتصادی باید به سوی سیستم بازار پیش رود و توسعه منطقه‌ای، هم‌گرایی بازار، عدم تمرکزگرایی و سرمایه‌گذاری آزاد از ویژگی‌های آن باشد.^(۱۱)

چند روز قبل از رأی دادن مردم به منشور جدید، امیر بحرین طی فرمانی دستور آزادی حدود ۹۰۰ تن از زندانیان سیاسی باقیمانده را صادر کرد^(۱۲) و قول داد تا برای آنها شغل فراهم کند. او از تمامی پناهندگانی که در سایر کشورها به سر می‌برند خواست تا بدون هیچ گونه پیش شرط و مجازاتی به کشور بازگردند.^(۱۳) به طور کلی برخورد مناسب و تلاش در جهت رفع تبعیض نسبت به شیعیان، یکی از اهداف دراز مدت حکومت بحرین در جهت راضی نگاه داشتن آنها و به تبع آن آرام کردن فضای سیاسی جامعه است. تصویب منشور جدید تا حدودی موجب رضایت آنها را فراهم کرده است.

ب - روی کار آمدن قشر جدیدی از نخبگان سیاسی در بحرین و تلاش آنها برای گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن؛

در طول چند سال اخیر، نسل جدیدی از رهبران جهان عرب مشتاقانه یک سری اصلاحات سیاسی و اقتصادی را به منظور ورود به مرحله جدیدی از دموکراسی و سیستم بازار آزاد، آغاز و به اجرا گذاشته‌اند. شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر قطر؛ عبدالله دوم پادشاه اردن؛ محمد ششم پادشاه مراکش و بشار اسد رئیس جمهور سوریه، نسل جدیدی از رهبران عرب هستند که با تشدید روند آزادسازی سیاسی، بازکردن درهای کشور بر روی اقتصاد بازار آزاد و خصوصی‌سازی اقتصادی، سعی در پیشرفت ملت‌های خود دارند.

یکی دیگر از رهبران عرب که در طی یکی دو سال گذشته، گام‌های جدی در روند پیشرفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه خود برداشته، امیر بحرین است. با تحولات انجام شده در بحرین، در حال حاضر قشر جدیدی از نخبگان سیاسی در این کشور بر مسند قدرت قرار گرفته‌اند که به خواسته‌های عمومی برای انجام اصلاحات توجه بیشتری می‌کنند. از اولویت‌های قشر حاکم می‌توان به تلاش آنها برای تقویت بخش خصوصی، مبارزه با فساد، کاهش بوروکراسی دولتی، تلاش در جهت استقلال قوه قضائیه و تقویت جامعه مدنی اشاره کرد. این قشر جدید، برای حفظ مشروعیت حکومت و تطبیق آن با شرایط جدید، با آزادسازی زندانیان

سیاسی، تأکید بر اصلاحات سیاسی و اقتصادی، مشارکت‌پذیری، پاسخگویی و رعایت حقوق شهروندی، سعی دارند تا به تقاضاهای گسترده‌ی مردم پاسخ مثبت دهند.

ج - ضرورت جذب سرمایه‌های جدید خارجی

طبق برآوردهای انجام شده ذخایر نفتی بحرین، حدود ۱۵۰ میلیون بشکه تخمین زده می‌شود که برای ۱۵ سال آینده کفایت می‌کند.^(۱۴) در این وضعیت بحرین مهم‌ترین درآمد ارزی خود را از دست می‌دهد. در واقع بحرین اولین کشور حوزه خلیج فارس است که آینده خود را به طور گسترده بدون در نظر گرفتن درآمدهای نفتی تجربه می‌کند. به همین دلیل تلاش گسترده‌ای از سوی این کشور به منظور جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی آغاز شده و این کشور متنوع‌سازی اقتصادی را به منظور تبدیل به یک مرکز عمده تجاری و مالی در منطقه خلیج فارس شروع کرده است.

کشور بحرین یک منطقه بالقوه اقتصادی است و به دلیل دارا بودن شرایط خاص جغرافیایی و سیاسی، دارای مزایای فراوانی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. موقعیت جغرافیایی این کشور در نزدیک بودن به بازار بزرگ مصرفی عربستان سعودی و مرکزیت بحرین در خطوط کشتیرانی و تردد آزادانه کشتی‌ها که اغلب به بنادر ثروتمند جنوب خلیج فارس رفت و آمد می‌کنند، از مزایای جغرافیایی و اقتصادی این کشور به حساب می‌آیند. در طول سال‌های گذشته، دولت بحرین تلاش‌هایی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش صنایع وزیر ساخت‌های اقتصادی انجام داده و به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است. سرمایه‌گذاری‌های خارجی به خصوص در بخش نیروی برق و تأسیسات آب شیرین کن، صورت گرفته است. به عنوان مثال شرکت "بریتیش گز" یک ایستگاه برق خصوصی ۳۶۰ مگاواتی را در این کشور طراحی و به اجراء رسانده است.^(۱۵) همچنین سرمایه‌گذاری‌هایی نیز در بخش توریسم، هتل‌داری و خدمات در سال‌های اخیر انجام شده است.^(۱۶) اما در مجموع پیش شرط جذب سرمایه‌گذاری‌های گسترده خارجی، قبل از هر چیز آزادسازی سیاسی و انجام اصلاحات اقتصادی است. مؤسسات مالی بین‌المللی نیز قبول تعهدات مالی و پرداخت وام و اعتبارات را منوط به پذیرش آزادسازی سیاسی، سیستم باز اقتصادی، رعایت قوانین حقوق بشر و رعایت

حقوق اقدار مختلف جامعه از سوی کشورها می‌کنند.

در میان حکومت‌های منطقه، امیرنشین دویی با اعمال سیاست‌های باز اقتصادی و به کارگیری قوانین پیشرفته مدیریتی و قبول تعهدات بین‌المللی، نمونه موفق از جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به حساب می‌آید. در حال حاضر، منطقه آزاد "جبل علی" به صورت مرکز تجارت و صادرات مجدد در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و پل ارتباطی آسیای جنوبی و شرقی با اروپا و آمریکا درآمده است. به عنوان مثال، طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی "اتفاق بازرگانی و صنایع دویی" تنها حجم صادرات مجدد از بندر جبل علی به ایران در سال ۲۰۰۰ میلادی با رشد ۸/۵ درصد نسبت به سال قبل، حدود ۱/۳۱۱ میلیارد دلار بوده است.^(۱۷) پیروی از چنین الگوی موفق، از اهداف دراز مدت بحرین برای دست‌یابی به توسعه اقتصادی و سیاسی، بدون اتکاء به نفت است.

۲. عوامل تأثیرگذار منطقه‌ای؛

الف - روند رو به رشد آزادسازی سیاسی در سایر کشورهای منطقه

روند آزادسازی سیاسی در منطقه، با حمله عراق به کویت و بروز جنگ خلیج فارس آغاز شد و به دنبال خود موج وسیعی از تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به همراه آورد. ضرورت این تغییرات از عوامل عینی، همچون هزینه‌های عظیم جنگ و حضور گسترده نظامیان خارجی و نیز کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی ناشی می‌شود. انعکاس اخبار جنگ، موجب ارتقای سطح آگاهی سیاسی مردم و افزایش خواسته‌ها و توقعات سیاسی آنها شد. از سوی دیگر این جنگ عجز و ناتوانی نخبگان حاکم بر منطقه را در دفاع از تمامیت ارضی کشور به اثبات رساند و بر وابستگی آنها به غرب، به ویژه آمریکا، صحنه گذاشت. نتیجه تحولات فوق‌تر سؤال رفتن مشروعیت رژیم‌های منطقه، از جمله بحرین بود.

مشروعیت رژیم‌های منطقه که بار اول با بروز انقلاب اسلامی در ایران و تأثیر آن بر شیعیان منطقه، خصوصاً شیعیان کشورهای عربستان سعودی، کویت و بحرین، زیر سؤال رفته بود، برای بار دوم با اشغال کویت توسط عراق و بروز جنگ خلیج فارس مجدداً با شکل جدیدی مطرح گردید و ابعاد تازه‌ای یافت. "صدام حسین جلب حمایت امنیتی ایالات متحده و استقبال

کشورهای منطقه از چند صد هزار نیروی خارجی رامحکوم کرد و مسأله عدم مشروعیت رهبری کشورهای منطقه و پاسداری از نفت عربی را مطرح ساخت.^(۱۸) هر چند بحران کویت حل شد، اما تأثیر پایداری بر مشروعیت حکومت‌های منطقه باقی گذاشت. در شرایط حاضر، دیگر خاندان سلطنتی منطقه، نمی‌توانند همانند گذشته، به حکومت مطلق خود ادامه دهند و ناگزیر از اعطای دموکراسی بیشتر به مردم خود هستند. جلوه‌های این امر از چند سال گذشته در کشورهای مختلف منطقه آغاز شده است. به عنوان مثال برگزاری چندین انتخابات عمومی در کویت در سال‌های اخیر، یا اعطای نقش بیشتر به مجلس مشورتی در عربستان سعودی یا تحولات به وجود آمده در قطر و سایر کشورهای منطقه، همگی از مصادیق روند رو به پیشرفت آزادسازی سیاسی در کشورهای این منطقه هستند.

از سوی دیگر، تحولات به وجود آمده در ایران و روند رو به رشد دموکراسی در این کشور، تأثیرات عمیقی بر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس گذاشته است. هم‌زمان با ریاست جمهوری آقای خاتمی و تلاش‌های او در جهت قانونمند کردن هر چه بیشتر جامعه و تحقق اصلاحات سیاسی و حرکت به سوی دموکراسی اسلامی، در سطح داخلی و پذیرش عناصری از واقع‌گرایی در چارچوب سیاست تشنج زدایی و بهبود روابط با دنیای خارج، خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس، در سطح خارجی، روند رو به رشد آزادسازی سیاسی در ایران مورد استقبال حکومت‌ها و ملت‌های منطقه قرار گرفت و تأثیری شگرف بر رشد آگاهی‌های سیاسی مردم منطقه، از جمله اقشار مختلف جامعه بحرین باقی گذاشت. در چنین شرایطی، حکومت بحرین نیز تحت تأثیر این تحولات منطقه‌ای، ناگزیر از اعطای بیشتر امتیازات سیاسی و اجتماعی به مردم خود شده است.

ب - جایگزینی اختلافات اعراب و اسرائیل با بحث بر سر هویت ملی و بحران‌های داخلی
تسریع روند صلح اعراب و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰، تمرکز بحث عمومی در کشورهای منطقه از جمله بحرین را از مسایلی همچون امنیت ملی و منطقه‌ای و مقابله با دشمن مشترک به مسایل داخلی این کشورها سوق داده^(۱۹) و لذا تقاضاهای عمومی برای انجام اصلاحات سیاسی، رعایت حقوق بشر و برقراری جامعه‌ای باز را مطرح کرده است. در چنین شرایطی، تمرکز

حکومت‌های منطقه بر شناخت بحران هویت ملی، چگونگی برخورد با طبقات روشنفکر و تحصیل کرده و شناسایی خواست‌های روزافزون نسل جوان سوق یافته است. جوانان منطقه نسل ساخته و پرداخته دوران پررونق نفتی هستند. لذا هم زمان با کاهش قیمت نفت در طول دهه ۱۹۹۰ و به تبع آن کاهش درآمدهای نفتی کشورهای منطقه، مشکلات اجتماعی و نارضایتی‌های عمومی نیز در میان اقشار مختلف جوامع منطقه، خصوصاً جوانان، به تدریج آشکار شده‌اند.^(۲۰) از سوی دیگر، روحیه نسل جدید منطقه به واسطه دگرگونی‌های اقتصادی و فشارهای گسترده فن‌آوری و انقلاب اطلاعاتی در سطح جهانی با ابهامات شدیدی روبرو شده است.^(۲۱) همین نیروها در سال‌های آینده، تهدیدی عمده برای امنیت ملی این کشورها، به حساب می‌آیند. بنابراین ذهن حاکمان این منطقه، از جمله بحرین، از هم اکنون به این مسأله مهم جلب شده و آنها سعی دارند تا با اعطای آزادی‌های بیشتر سیاسی و اجتماعی با این تهدید فزاینده، مقابله کنند.

ج - رشد شبکه‌های ماهواره‌ای و سایر اشکال ارتباطات در جهان عرب

در سال‌های اخیر گسترش کانال‌های ماهواره‌ای به خصوص شبکه‌های عربی زبان عربستان، قطر، مصر، لبنان و دویی تأثیرات انکارناپذیری بر رشد آگاهی‌های مردم و خصوصاً رفتار حکومت‌های منطقه، داشته است. یکی از دلایلی که در طول دهه ۱۹۹۰، جهان عرب را در ابعاد مختلف تکان داد و تمایل آن را برای استفاده از ماهواره‌ها افزایش داد، پوشش ماهواره‌ای جنگ خلیج فارس به وسیله شبکه بین‌المللی CNN بود. در نتیجه این فکر در میان حاکمان منطقه پدیدار شد که پیام‌ها می‌توانند از طریق برنامه‌های تلویزیونی، نه تنها برای مردم، بلکه برای دولت‌های درگیر جنگ و در نهایت برای همه نقاط جهان، ارسال شوند. با این تحول، از اوایل دهه ۱۹۹۰، شبکه‌های ماهواره‌ای زیادی در کشورهای عربی شروع به فعالیت کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین این شبکه‌ها می‌توان به MBC^(۲۲) (عربستان)، LBC^(۲۳) (لبنان)، ANN^(۲۴) (سوریه)، Orbit (عربستان)، ESC^(۲۵) (مصر) و شبکه ماهواره‌ای الجزیره (قطر) اشاره کرد. در میان این شبکه‌ها، دو کانال MBC و الجزیره، تأثیرات شگرفی بر رفتار حکومت‌ها و طرز تفکر ملت‌های منطقه داشته‌اند.

از میان دو شبکه اخیر، MBC سابقه طولانی‌تری دارد و در سال ۱۹۹۱ تأسیس گردید. این

شبکه اولین کانال ماهواره‌ای است که برنامه‌های خبری حرفه‌ای برای بینندگان خود تدارک دید. همچنین اولین شبکه ماهواره‌ای است که تابوی مصاحبه با میهمانان اسرائیلی را شکست. (۲۶)

وضعیت شبکه تلویزیونی الجزیره، کاملاً فرق می‌کند. این شبکه ماهواره‌ای که در اول نوامبر ۱۹۹۶ شروع به کار کرد، اولین شبکه مخصوص اخبار عربی است که موج وسیعی از برنامه‌های انتقادی و خبری را در منطقه پخش می‌کند. در واقع این شبکه، وسیع‌ترین شبکه خبری در جهان عرب است و به دلیل استقلال در انجام مصاحبه با تمامی گروه‌ها، از جمله اسلام‌گراها و نیروهای مخالف حکومت‌های منطقه و تمایل به شکستن تابوهایی که از سوی حکومت‌ها وجود دارد، از شهرت خاصی برخوردار است. به عنوان مثال، بعد از آغاز حملات نیروهای امریکایی و انگلیسی به عراق در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸، شبکه ماهواره‌ای الجزیره مصاحبه‌هایی با مقامات بلندپایه عراقی، از جمله، صدام حسین، طه یاسین رمضان و طارق عزیز انجام داد. در ۵ ژانویه ۱۹۹۹، این شبکه سخنرانی صدام حسین را پخش کرد که در آن، وی خواستار سرنگونی رهبران عرب در صورت اتحاد با امریکاشد. این درحالی بود که شبکه‌های تلویزیونی CNN و BBC به دلیل ملاحظات موجود، از پخش این مصاحبه خودداری کردند. اما الجزیره به دلیل اعتبار و گستردگی بینندگان خود، آن را پخش کرد. یا اخیراً این شبکه از متخصصان و سیاستمداران اسرائیلی، از جمله افسران سابق دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی این کشور، دعوت به مصاحبه کرده است. (۲۷)

مثال دیگر، مصاحبه تلویزیونی این شبکه با آقای خاتمی، رئیس جمهوری ایران، است که تأثیرات زیادی در افکار عمومی و رفتار حکومت‌های منطقه داشته است. طبق برآوردها حدود ۱۰۰ میلیون نفر، بیننده این مصاحبه در جهان عرب، بوده‌اند. (۲۸)

در حال حاضر شبکه ماهواره‌ای الجزیره، با عنایت به حرفه‌ای بودن و دوری از تبلیغات ستی در جهان عرب، تبدیل به یکی از اصلی‌ترین منابع تعیین‌کننده اطلاعات در سطح منطقه شده و به طور کلی نگرش نخبگان و اқشار مختلف منطقه را تغییر داده است. (۲۹) در واقع به دلیل پخش همین برنامه‌های انتقادی، این شبکه مورد سوءظن بسیاری از حکومت‌های عربی قرار دارد و آنها از آن به عنوان شبکه طرفدار اسلام‌گراها، طرفدار عراق، طرفدار امریکا و شبکه‌ای برای عادی سازی روابط با اسرائیل یاد می‌کنند و آن را یک BBC عربی می‌دانند، چرا که حدود ۲۵ تن از کارمندان سابق BBC را در خود جای داده است. (۳۰)

جدا از تأثیرگذاری شبکه‌های ماهواره‌ای بر رفتار حکومت‌های منطقه در جهت آزادسازی‌های سیاسی و اجتماعی، رشد و گسترش اشکال دیگر ارتباطات در جهان امروز، از جمله اینترنت و سایر رسانه‌های ارتباط جمعی نیز - البته با ابعاد کوچکتری - در این روند تأثیرگذار بوده‌اند.^(۳۱) به طور کلی روند آزادسازی تدریجی در سیاست اطلاع رسانی و فرهنگی از یک سو منجر به رشد آگاهی‌های مردم منطقه، از جمله مردم بحرین و گسترش تقاضاها و توقعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها شده و از سوی دیگر حکومت‌های منطقه را مجبور به پذیرش تدریجی آزادسازی سیاسی کرده است. آزادسازی اخیر از سوی حکومت بحرین، مصداق عملی این جریان است.

۳. عوامل تأثیرگذار بین‌المللی

الف - روند رو به رشد دموکراسی در سطح جهانی

در جهان امروز وجود دموکراسی و آزادی در یک کشور، هسته مرکزی حیات سیاسی و حقوقی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت جوامع انسانی به حساب می‌آید. تقریباً تمامی نظام‌های سیاسی جهان به نوعی مدعی پیروی از اصول دموکراسی و آزادی هستند و نام آن را بر خود می‌نهند. اگرچه میان عنوان، گفتار و کردار تفاوت‌های شگرفی وجود دارد، اما وجود این نوع حکومت و لو به ظاهر، به حیات سیاسی نظام‌ها نوعی مشروعیت داخلی و بین‌المللی می‌بخشد.

در شرایط حاضر، واژه دموکراسی، حداقل با سه عنصر اساسی سنجیده می‌شود: شفافیت^۱ پاسخگویی^۲ و برابری^۳. شفافیت نمایانگر دسترسی آزاد و بدون محدودیت شهروندان به فعالیت‌ها و تصمیم‌های سیاسی و اقتصادی حکومت‌هایشان می‌باشد. پاسخگویی، منجر به مسؤلیت‌پذیری دولت در برابر شهروندان و اعمال و رفتار خود می‌شود و در نهایت مفهوم برابری، به معنای عدم تبعیض و تساوی شهروندان در برابر قانون، مشارکت سیاسی همه شهروندان، حتی زنان در مسایل مختلف و مواردی از این قبیل می‌باشد.

1. Transparency
2. Accountability
3. Equality

در سال‌های اخیر این سه عنصر اساسی تأمین دموکراسی در جهان عرب در حال گسترش بوده و رهبران کشورهای عربی (خصوصاً رهبران جوان)، تحت فشارهای شدید داخلی و خارجی مجبور شده‌اند تا از کنترل سخت و همه جانبه بر جوامع خود دست بردارند و به تدریج در مسیر فوق گام بردارند. هرچند ریشه دار نبودن دموکراسی در جهان عرب، روند تکمیل آزادسازی سیاسی را با تردیدهایی روبرو می‌سازد، اما این واقعیت را نمی‌توانیم انکار کنیم که در چند سال اخیر، نیروهای داخلی و خارجی، توجه سیاسی را در جهان عرب از قصرها به مجالس و مردم، سوق داده‌اند^(۳۲) حکومت بحرین نیز از این روند مستثنی نیست.

ب - روند جهانی شدن و تأثیرات آن بر آزادسازی سیاسی در جهان عرب

در سال‌های اخیر پدیده جهانی شدن نتایج اجتناب ناپذیری برای همه کشورهای جهان به دنبال داشته است. کشورهای توسعه یافته، با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توانسته‌اند از نتایج مثبت جهانی شدن استفاده کنند، اما کشورهای در حال توسعه به دلیل مواجهه با کمبود منابع و مشکلات ساختاری توسعه در زمینه‌های مختلف، تأثیرپذیری بیشتری از این چرخه داشته و اغلب مجبور به تقبل هزینه‌های بیشتری هستند. یکی از این هزینه‌ها، بعد یکسان‌سازی اقتصادی جهانی شدن^(۳۳) است که در مورد کشورهای در حال توسعه به شکاف‌های عمده اقتصادی و بحران‌های گوناگون در درون این جوامع منجر شده است.

در مورد جهانی شدن و آثار آن، در جهان عرب دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند که جهانی شدن موضوعی اجتناب ناپذیر است و اعراب باید هر چه سریع‌تر به آن بپیوندند. برخی دیگر اندیشه جهانی شدن را مضر می‌دانند که باید از آن دوری کرد و با آن مقابله کرد. دیدگاه بینابینی نیز وجود دارد که با نگاهی نقادانه به جهانی شدن، می‌کوشد ماهیت حقیقی آن را دریابد و با شناخت عیوب و زشتی‌های آن، از دست‌آوردهای مثبت چنین پدیده‌ای استفاده کند.^(۳۴) واقعیت این است که در دنیای امروز، استقلال کشورها مطلق نیست، بلکه همواره درجه‌ای از وابستگی متقابل وجود دارد. در سایه رشد و توسعه برق آسا در فن‌آوری و اطلاع‌رسانی، عدم توجه دقیق به عوارض حیاتی تحولات همه جانبه جهانی شدن، منجر به ضررهای عظیمی برای منافع ملی کشورها می‌شود.

در طی دههٔ اخیر، مشکلات کشورهای عربی در جهت ادغام در اقتصاد جهانی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بسیاری از رهبران کشورهای عربی را وادار کرده تا درهای کشور را به سوی اقتصاد جهانی باز کنند. از سوی دیگر تحت فشارهای شدید جامعهٔ بین‌المللی، حکومت‌های عرب منطقه، مجبور شده‌اند تا از کنترل سخت و همه‌جانبهٔ سیاسی بر جوامع خود دست بردارند و روند آزادسازی سیاسی و اجتماعی را تسریع کنند. در حال حاضر مؤسسات مالی جهانی، همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سایر جوامع اقتصادی بین‌المللی و همچنین کشورهای پیشرفته اروپایی، ایالات متحده و ژاپن و در نهایت بازیگران بین‌المللی، همچون سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، که اغلب کمک‌های اقتصادی و مالی فراوانی در اختیار کشورهای عربی قرار می‌دهند، خواستار برقراری یک سیستم بازسیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی در این کشورها می‌باشند.

در طول سال‌های گذشته، کشورهایی همچون مراکش، مصر، اردن و لبنان که سالیانه سهم عمده‌ای از کمک‌های جوامع بین‌المللی را دریافت می‌کنند، تحت تأثیر این فشارها، مجبور به بازکردن سیستم اقتصادی و فراهم آوردن زمینه‌های آزادسازی سیاسی و اجتماعی در جوامع خود شده‌اند. هر چند سایر کشورهای عربی، همچون عربستان سعودی، عراق، لیبی، کویت و خصوصاً بحرین، کمتر تحت تأثیر این فشارها قرار داشته‌اند، اما در سال‌های اخیر و با پایان جنگ سرد و به دنبال آن تغییر و تحولات جدید در ساختار اقتصادی و سیاسی نظام بین‌المللی و خصوصاً با کاهش تدریجی قیمت نفت، این کشورها نیز تحت فشار نیروهای اقتصادی و اطلاعاتی جهانی، مجبور به پذیرش اصلاحاتی در ساختار سیاسی و اقتصادی خود شده‌اند. مورد بحرین نیز نمونه‌ای از این تأثیرپذیری در سطح بین‌المللی است. امیر بحرین در جایی اعلام می‌کند که "دنیا در حال تغییر است و ما نیز باید خود را با تغییرات جدید تطبیق دهیم."^(۳۵)

نتیجه

۱. آزادسازی سیاسی بحرین که تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته، گامی در جهت افزایش حقوق اقشار متوسط و پایین، خصوصاً شیعیان جامعه است. در چارچوب این آزادسازی و تصویب منشور جدید ملی، حقوق شهروندی و حقوق زنان

افزایش می‌یابد و به این ترتیب یکی از منابع اصلی بحران و ناامنی در منطقه، بارضایت شهروندان جامعه از بین می‌رود. بحرین اولین کشور حوزه جنوبی خلیج فارس است که در آن زنان، هم حق رأی و هم حق شرکت در انتخابات مجلس را خواهند یافت. افزایش حقوق زنان در بحرین می‌تواند به صورت الگویی برای سایر کشورهای منطقه درآید؛

۲. هرچند به دلیل ریشه‌دار نبودن دمکراسی و مشارکت مردمی در نظام‌های سیاسی منطقه، تکمیل روند دمکراسی در بحرین با تردیدهایی روبرو است، اما با گام‌های برداشته شده در جهت گسترش مردم سالاری و مشارکت شهروندان در این کشور، حرکت به سوی جامعه‌ای باز و دور از تبعیض و نابرابری امری اجتناب‌ناپذیر گردیده است؛

۳. حرکت به سوی دمکراسی در بحرین، هرچند ممکن است در کوتاه مدت با پیدایش نیروهای جدید سیاسی و به مبارزه طلبیدن نیروهای قدیمی موجب بی‌ثباتی شود، اما تنها راه اصلاح نهایی و برقراری ثبات بلندمدت در این کشور است؛

۴. جمهوری اسلامی ایران باید از تحولات انجام شده در بحرین استقبال کند. در واقع برقراری ارتباط و نزدیکی با حکومت‌هایی که خواستگاه مردمی بیشتری دارند، آسان‌تر صورت می‌گیرد. با توجه به بی‌اعتمادی سنتی و بی‌دلیل حاکمان بحرین نسبت به جمهوری اسلامی ایران، نزدیکی ملت‌های دو کشور و تحرک‌های سیاسی در سطح مجالس مقننه و نهادهای مردمی، فرصت مناسبی در اختیار ایران قرار می‌دهد تا با برقراری روابط نزدیک در چارچوب سیاست اعتمادسازی و تشنج زدایی، گامی دیگر در جهت پیشبرد اهداف خود در حوزه خلیج فارس و جهان عرب بردارد و از سوء تفاهمات گذشته بکاهد.

یادداشت‌ها

۱. کتاب سبزه‌چهرین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱.
۲. پیروز مجتهدزاده، "نگاهی به یک مثلث ژئوپولیتیک در خلیج فارس"، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هفتم، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، شماره ۷۲-۷۱، ص. ۱۸.
۳. برای آگاهی بیشتر از چگونگی وقوع این توطئه‌ها، بنگرید به:
- *The Middle East and North Africa (MENA)*, 1999, pp. 339-340.
۴. برای آگاهی بیشتر از جزئیات این مسأله بنگرید به: پیروز مجتهدزاده، همان، ص. ۱۷-۱۶.
5. *MENA*, Yearbook 1996, p. 318.
6. *MENA*, Yearbook 2000, pp. 352-353.
7. David M. Ransom, "Bahrain: New Emir, New Vision", *Middle East Insight*, (June- July 2001), p. 35.
8. <http://news.bbc.co.uk>.
9. Ransom; *op.cit.*, p. 35.
10. *Ibid.*
11. *Ibid.*
12. <http://news.bbc.co.uk>.
13. Ransom: *op.cit.*, p. 36.
14. *MENA*, Yearbook 1999, p. 343.
15. *MENA*, Yearbook 1997, p. 321.
16. *Ibid.*, p. 322.
۱۷. *روزنامه ایران*، مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۸۰.
۱۸. گراهام فولر، *قبله عالم، ژئوپولیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳، ص. ۱۱۵.
۱۹. سعیده لطفیان، "دگرگونی قدرت و سیاست در خاورمیانه"، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص. ۵.
۲۰. برای آگاهی بیشتر از مشکلات نسل جوان در کشورهای عربی منطقه، بنگرید به:

- های یمانی، اسلام و مدرنیته: روحیات نسل جدید در عربستان سعودی، ترجمه شهرام ترابی، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸، صص. ۱۷۳-۱۶۵.
۲۱. برای آگاهی بیشتر از میزان تأثیرگذاری فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی در جهان عرب، بنگرید به:
- Mamoun Fandy, "Information Technology, Trust, and Social Change in the Arab World, *Middle East Journal*, Vol. 54, No. 3, (Summer 2000), pp. 378-393.
22. MBC- *Middle East* Broadcasting Center.
23. LBC- Lebanese Broad Casting Corporation.
24. ANN- *Arab News* Network.
25. ESC- Egyptian Satellite Channel.
26. Edmund Ghareeb, "New Media and the Information Revolution in the Arab World; An Assessment", *Middle East Journal*, Vol. 54, No. 3, (Summer 2000), p. 400.
27. *Ibid.*, pp. 405-409.
۲۸. محمدعلی مهدی، "میزگرد، اندیشه‌های نوین سیاسی در خاورمیانه و نقش ارتباطات در شکل‌گیری آنها"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۸، صص. ۳۱.
۲۹. سیدمحمد کاظم سجاده‌پور، "جهانی شدن و امنیت جمهوری اسلامی ایران"، مجله سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲، (تابستان ۱۳۷۹)، صص. ۵۴۷.
30. E. Ghareeb: *op.cit.*, p. 409.
۳۱. در زمینه رشد و گسترش اینترنت و سایر اشکال ارتباطاتی در جهان عرب، بنگرید به:
- Jon w. Anderson, "Producers and Middle East Internet Technology: Getting beyond- Impacts, *Middle East Journal*, Vol. 54, No. 3, Summer 2000, pp. 419-431.
32. Shafeeq, N. Ghabra, "10 years after: Embracing Reform in Kuwait", *Middle East Insight*, June-July 2001, p. 23.
۳۳. برای آگاهی بیشتر از بعدیکسان‌سازی اقتصادی جهانی شدن، بنگرید به:
- Cable Vincent, *Globalization and Glob Governance*, (London: The Royal Institute of International Affairs, 1999).
۳۴. منیرالحمش، "چالش‌های اقتصادی و نظام منطقه‌ای عربی"، ترجمه سیدمحمد موسوی بجنوردی، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹، صص. ۱۱۰.
35. <http://news.bbc.co.uk>.